

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

فرستنده احمد پوپل
۳۰ مارچ ۲۰۲۱

ابن دیلاق - ۱۴

(ماتمداری شوهر)

زین پس بشنو جوان نومید
ابری سیه از کران گردون
بگرفت سراسر جهان را
پیچید و سپاه خُور زبون کرد
طوفان شد و گرد باد و باران
در این زد و خورد و شور و غوغا
آراسه با سلاح زرین
با ضربت تازیانه نور
گه راست شکست و کارچپ ساخت
تا در دل تیغه سیاهی
در داد به باد خانمانش
افراشت درفش روشنائی
وانگه به هزار عز و آئین
پرباز نمود و چرخها زد
بنشست و سر جوان به زانو
با مهر بسی نوازشش کرد
بگشود چو چشم و آن ملک دید
«کای حور بهشتیم ز یاری
آیا که خدا ز مهربانی
یا نیست به تن روان پاکش
زین گونه بسی سرود و گریید

در عالم بیخودی چه ها دید
چون دیو، تنوره زد بیرون
اندود به قیر آسمان را
از کشور، روشنی برون کرد
لرزید به خود بنای کیهان
گر دید فرشته ای هویدا
پرواز گرفته سوی پائین
بنمود جُنود اهرمن دور
گه یک تنه پشت خصم دون، تاخت
افکند تزلزل و تباهی
خُور کرد پدید از نهانش
از پرتو نیروی خدائی
بگرفت فرشته راه پائین
تا روی زمین فرود آمد
بنهاد و سترد خاکش از رو
مالید و کمی به هوشش آورد
با ناله سوزناک پرسید:
از یار بگو خبر چه داری؟
در کالبدش دمید جانی؟
خواهند سپرد زیر خاکش؟
گه دست فشاند و گاه غلتید

- ۱- خُور : خورشید
- ۲- جُنود : جمع جُنْد لشکرها ، سپاه ها

انجنیر احمد علی هژبر
۳۰ مارچ ۲۰۲۱

پای خوابیده

رنگ شب با اهریمن بیرون در خوابیده است
تا سحر با یار بودم، این گناه است یا ثواب
پاره گردد حلق زاهد، صوت اذان داد صبح
دست کوتاهم تهی و دامن او در شتاب
از برم دامن کشید، تاریک شد دلخانه ام
شیخ را از من بگو، معذور درس منبرم

در درون خانه، خورشید و قمر خوابیده است
تام تام رقص بود، عقل و بصر خوابیده است
کاش می دانست که در اینجا گهر خوابیده است
رفت، اما نقش پایش در جگر خوابیده است
شب نگهبان بوددل، وقت سحر خوابیده است
پای شبگرد هژبر، بار دیگر خوابیده است